
آمادگی ظهور، هدف آرمانی انقلاب اسلامی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی

محمد فاکرمیدی^۱

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که به مناسب چهلمین سال انقلاب اسلامی از قلم امام خامنه‌ای (دام ظلّه) صادر گردید، رصدی است که علاوه بر گذر بر گذشته انقلاب اسلامی، نظری به آینده آن دارد. معظم‌له در این بیانیه ضمن برشمردن بسیاری از مسائل مهم و توصیه‌های اساسی، به مقوله‌ای به نام «آرمان بزرگ» اشارت کردند که از دو عنصر مهم تشکیل شده است، یکی «تمدن نوین اسلامی» و دیگری «آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی». این مقاله با عنوان آرمان بزرگ انقلاب، با محوریت عنصر دوم، تلاش دارد تا ضمن تبیین مراحل ششگانه انقلاب، به مؤلفه‌ها، شرائط و الزامات حصول این آمادگی (مسأله تحقیق)، با روش نقلی قرآنی و روایی همراه با تحلیل و توصیف دست یابد (روش تحقیق). باشد تا از یک سو مقوله «مِنَ اَیْنٍ»، «فِی اَیْنٍ» و «اِلَی اَیْنٍ» انقلاب تبیین و از سوی دیگر به وظائف و حقوق معنوی اهالی انقلاب دست یابیم (انگیزه تحقیق). و به این نتیجه برسیم

۱. استاد تمام گروه تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه M_faker@miu.ac.ir

که این امر، مسئولیت خطیری است که بر دوش نسل سوم و چهارم انقلاب و در بازه زمانی چله دوم انقلاب گذارده شده است تا زمین و زمان را آماده ظهور خورشید موعود مهدوی نمایند. (یافته تحقیق).

کلید واژگان: بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری، ظهور، آمادگی طلوع، قرآن.

۱. مفهوم شناسی

۱.۱ آرمان

آرمان، واژه‌ای فارسی است که به معنی آرزو، امید، کمال مطلوب و اندوه است. (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۶۳: واژه آرمان). این واژه را می‌توان بازگردان کلمه أمل و رجاء در ادبیات عرب دانست. شکی نیست که معنی مراد از کلمه آرمان در بیانیه گام دوم، کمال مطلوب است. معنی آرزوی بزرگ نیز می‌تواند مقصود باشد لیکن چون در کاربست واژه آرمان در متن بیانیه، وصف بزرگ آمده است، قید توضیحی خواهد بود.

۲.۱ بیانیه گام دوم

در بیست و دوم بهمن هزار و سیصد و نود و هفت خورشیدی، همزمان با کامل شدن چهل سالگی انقلاب اسلامی و در آستانه دهه پنجم، امام خامنه‌ای، بیانیه‌ای ممتاز از خطابات و بیانات در بازه زمانی بیش از سی سال رهبری نظام اسلامی، صادر فرمودند که در آن به تفصیل از سرفصل‌های مهم گذشته و آینده انقلاب اشارت کردند که در ادبیات انقلاب به بیانیه گام دوم نامبردار شد. این بیانیه در واقع منشور استمرار انقلاب و نقشه راهی برای پساچهل سالگی آن است.

۳.۱ انقلاب اسلامی

در خرداد ۱۳۴۱ خورشیدی نهضتی بیدارگرانه در ایران آغاز شد، که نزدیک به دو دهه، در مسیری پرفراز و نشیب به حرکت خود ادامه داد، تا این‌که در سال‌های ۵۷ - ۱۳۵۶ شمسی به اوج خود رسید، و در نهایت در روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ خورشیدی، برابر با ۱۴ ربیع الاول ۱۳۹۹ قمری و مصادف با ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ میلادی، به ثمر نشست، رژیم شاهنشاهی سرنگون و حکومت اسلامی بر اساس نظریه نوین ولایت فقیه جایگزین آن گردید. با توجه به این‌که رهبر این انقلاب، روحانی اسلامی شیعی، یعنی حضرت آیت الله العظمی سید روح الله مصطفوی، ملقب به امام خمینی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۸ خ)، و اصلی‌ترین شعار مردم انقلابی اسلامی خواهی آنان بود، انقلاب اسلامی لقب گرفت.

۱. نگاهی به دیگر انقلاب‌ها

امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم فرمودند: «کمتر [انقلابی] دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده [باشند]» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

این حقیقتی است انکارناپذیر، چراکه در گستره زمان مشهود است و شاهد آن انقلاب‌های چندصد ساله‌های اخیر قبل از انقلاب اسلامی است که با همه آثاری که داشتند لیکن هیچ‌کدام مانند انقلاب اسلامی نتوانسته است به اهداف نهایی خود برسد. و این بدان جهت است که این انقلاب شباهتی با دیگر انقلاب‌ها حتی از نوع اسلامی آن ندارد، نه در منشأ انقلاب، نه در فراست و کیاست رهبری آن، و نه در تعیین چشم‌انداز آینده انقلاب، و نیز رسیدن به اهداف تعیین شده بر آن. البته لازم است به صورت علمی و منصفانه مقایسه‌ای بین انقلاب‌های دنیا صورت گیرد. لیکن در این مجال به اجمال برای پی بردن به ویژگی‌های ممتاز این انقلاب از سایر انقلابات، به برخی اشارت می‌شود، از جمله:

۱. انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه که به عنوان انقلاب کبیر و با هویت لیبرالی از آن یاد می‌شود، در اواخر قرن هفدهم و در سال ۱۷۸۹ میلادی روی داد و منجر به سرنگونی لوئی شانزدهم (لوئیس آگوست) آخرین پادشاه فرانسه گردید. این انقلاب با فراز و نشیب‌های خود، بیش از ده سال دوام نیاورد. زیرا در سال ۱۷۹۹ با شدت گرفتن نارضایتی‌ها، ناپلئون علیه انقلاب کودتا کرد و رژیم (دیرکتورها = گردانندگان) را سرنگون کرد و با این اقدام، عملاً پایان انقلاب فرانسه اعلام و عصر ناپلئونی آغاز شد، تا این‌که در سال ۱۸۷۰ میلادی به ایجاد جمهوری در فرانسه انجامید. (رک: محجوب، گیتاشناسی کشورها، ۱۳۶۲: ص ۲۱۵ - ۲۲۰).

۲. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی روسیه. این انقلاب که به عنوان یک انقلاب کبیر با هویت چپ‌گرایی یاد می‌شود، توسط حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه و در اعتراض به امپراتوری روسیه رخ داد و مسأله اصلی انقلابیون صلح، نان و زمین بود و در نهایت منجر

به سرنگونی حکومت تزارها و برپایی اتحاد جماهیر شوروی گردید. این انقلاب در دو مرحله صورت گرفت: مرحله اول در فوریه ۱۹۱۷، به وسیله منشویک‌ها (جناح اقلیت حزب) و پس از یک سری اعتصابات، تظاهرات و درگیری‌ها رخ داد و در پی آن، الکساندر وویچ رومانوف یا نیکلای دوم (۱۸۶۸ - ۱۹۱۸) تزار (امپراتور) روسیه از سلطنت خلع شد و یک دولت موقت به قدرت رسید که اکثر اعضای آن، از شاخه منشویک (اقلیت) حزب بود. مرحله دوم در اکتبر ۱۹۱۷ به رهبری ولادیمیر لنین و توسط بلشویک‌ها (اکثریت) از شاخه رادیکال حزب صورت گرفت و طی یک یورش نظامی همه‌جانبه به کاخ زمستانی سن پترزبورگ و سایر اماکن مهم، قدرت را از دولت موقت منشویک‌ها گرفت. لازم به ذکر است که اوضاع نابسامان اقتصادی، گرسنگی، عقب ماندگی و سرمایه‌داری و نارضایتی‌های گوناگون در بین مردم، سربازان، کارگران، کشاورزان و نخبگان روسیه بعد از شکست روسیه در جنگ ۱۹۰۵ با ژاپن از یک سو، و سرکوب‌های شدید حکومت تزار از سوی دیگر عامل اصلی این انقلاب بود. (همان: ص ۱۹۳ - ۱۹۴).

۳. انقلاب ۱۹۴۵ میلادی هند، به رهبری مهاتما گاندی (۱۸۶۹ - ۱۹۴۸ م)، در کشور پهناور هند در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی که شامل هندوستان، بنگلادش و پاکستان کنونی بوده است. کشور هند در سده هفدهم (۱۷۶۰) به تدریج مستعمره و تحت الحمایه انگلیس قرار گرفت. مردم هند در سال‌های ۱۸۵۷ تا ۱۹۴۷ به مدت ۹۰ سال، سلسله انقلاب‌هایی برای استقلال هند صورت دادند، که یکی از آن‌ها جنبش خروج از هند به رهبری مهاتما گاندی بود که با همراهی مردم هند در مقابل استعمار بریتانیا با هدف رسیدن به استقلال سیاسی هند به وقوع پیوست، تا این‌که در اوت ۱۹۴۷ تحقق یافت. (همان: ص ۳۷۱ - ۳۷۵). از ویژگی این جنبش مقاومت غیر خشونت‌آمیز مردم بود که در آن ۵۰ میلیون نفر شرکت داشتند.

۴. انقلاب کمونیستی کوبا، به رهبری فیدل کاسترو از نظامیان کوبا با همکاری ارنستو چه‌گوارا آرژانتینی، در سال ۱۹۵۹ میلادی که منجر به سرنگونی گروه‌بان فلوخنسی باتیستا

دیکتاتور مورد حمایت آمریکا شد.

۵. انقلاب اسلامی ۱۹۶۴ الجزائر یکی از انقلاب‌های بزرگ جهان است که در ردیف انقلاب‌های فرانسه، روسیه و ایران ارزیابی می‌شود. مردم الجزائر که از فرانسه ناراضی بودند برای رهایی از استعمار فرانسه و خلاصی از ستم‌های آن، نهضتی را به رهبری عالم اسلامی شیخ عبد الحمید بن بادیس (۱۳۰۷-۱۳۵۸ ق) در مبارزه با فرانسویان شکل دادند. تا این‌که در سال ۱۹۵۴ به اوج خود رسید و انقلاب آغاز شد تا این‌که بعد از هفت سال مقاومت و مبارزه به هدف استقلال رسیدند. (همان: ص ۳۵). معروف است که در انقلاب الجزائر یک میلیون شهید تقدیم شد تا به پیروزی و استقلال از فرانسه رسیدند.

۶. دو انقلاب لیبی، انقلاب اول در سال ۱۹۳۹ م، به رهبری عمر مختار (۱۸۶۲-۱۹۳۱ میلادی) در مقابل نیروهای ایتالیائی. انقلاب دوم (کودتا) در سال ۱۹۶۹ میلادی، به رهبری سرهنگ مُعَمَّر قَدَّافِی (۱۹۴۲-۲۰۱۱ میلادی). این انقلاب که در حقیقت کودتایی آرام علیه حکومت محمّد ادریس سنوسی، پادشاه وقت لیبی بود وی را سرنگون و سیستم حکومتی ترکیبی از سوسیالیسم و اسلام جایگزین آن نمود.

۷. همزمان با انقلاب اسلامی در ایران، انقلاب نیکاراگوئه، در سال ۱۹۷۹ م با حمایت مردمی و اصحاب کلیسای کاتولیک به رهبری جبهه آزادی‌بخش ساندنیستا (برگرفته از نام اوگوستو سزار ساندینو / Augusto César Sandino الهام بخش تفکر انقلابیون) روی داد که با مشابهت‌هایی که با انقلاب ایران داشت، تمایزات اساسی و از جمله عمر کوتاه آن بود که با شبه کودتای داخلی مورد حمایت خارجی، انقلاب عقیم ماند.

۸. نهضت استقلال عراق. به دنبال شکست دولت عثمانی در جریان جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰ میلادی، عراق جزء مستعمرات انگلیس شد و به اشغال نظامی آن کشور در آمد. در پی این تحول گروه‌های استقلال طلب تشکیل و به مبارزه با انگلیس با هدف استقلال عراق از بریتانیا پرداختند، تا این‌که در سال ۱۹۳۲ میلادی به استقلال عراق و برون‌راندن اشغال‌گران انگلیسی انجامید. (محبوب، گیتاشناسی کشورها، ۱۳۶۲:

ص ۲۰۳). در دوران مبارزه افراد مجاهدی چون عبدالرحمن گیلانی (۱۸۴۱-۱۹۲۷) حضور داشتند. اما رهبری اصلی نهضت بر عهده حضرت آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی (۱۲۵۸ - ۱۳۳۸ ق) معروف به میرزای دوم، از مراجع تقلید بود. نهضت استقلال تنها به همین موضوع بسنده کرد و تحول عمده اساسی و سیاسی در عراق آن زمان روی نداد.

۹. جنبش تحریم تنباکو، در سال ۱۳۰۹ قمری، برابر با ۱۲۶۹ شمسی، که در مبارزه و اعتراض به قرارداد استعماری اعطای امتیاز تجارت توتون و تنباکو توسط ناصرالدین شاه قاجار با کمپانی رژی انگلیسی به وقوع پیوست. رهبری این نهضت به عهده آیت الله العظمی سید محمدحسن حسینی (۱۲۳۰-۱۳۱۲ ق) مشهور به میرزای شیرازی از مراجع تقلید شیعه صورت گرفت. (رک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۴ - ۳۰). نهضت تنباکر گرچه حرکتی عظیم بود و در لغو قرارداد رژی مؤثر افتاد اما از گستردگی برخوردار نبود.

۱۰. انقلاب مشروطه، این حرکت در دوره قاجاری (عصر مظفرالدین و محمدعلی شاه) با هدف کنترل استبداد و مشروط کردن قدرت، حکومت قانون، رفع مشکلات اقتصادی، تشکیل حکومت مشروطه به وقوع پیوست. و مورد تأیید و رهبری مراجع شیعه چون آیت الله محمدکاظم خراسانی (۱۲۱۸ - ۱۲۹۰ شمسی) معروف به آخوندخراسانی، آیت الله شیخ عبدالله گیلانی مازندرانی (۱۲۵۶ - ۱۳۳۰ ق) و آیت الله میرزا حسین خلیلی تهرانی (۱۲۳۰ - ۱۳۲۶ ق)، شهید آیت الله سید عبدالله بهبهانی (۱۲۵۶ - ۱۳۲۸ ق) آیت الله سید محمد طباطبایی (۱۲۵۷ - ۱۳۳۹ ق) و حمایت علمی آیت الله محمد حسین غروی نائینی (۱۲۳۹ - ۱۳۱۵ شمسی) با تدوین کتاب تنبیه الأمه قرار داشت. روشنفکران آزادی خواه نیز با آن موافق بودند. این نهضت به دلیل فقدان برنامه منسجم و معلوم نبودن آینده، انقلاب به هدف خود نرسید و مشروعه خواهی آیت الله شهید شیخ فضل الله نوری (۱۲۲۲ - ۱۲۸۸ شمسی) نیز نتوانست به جایی برسد. (رک: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۵۳ - ۵۹)، و کار بدان جا رسید که وی محاکمه و به شهادت رسید.

وجوه تمایز

انقلاب‌های پیش‌گفته، هرکدام دچار نوعی تک‌بعدی بودند، بعضی فقط انگیزه اقتصادی داشتند، در بعضی تنها مسائل سیاسی اجتماعی مدنظر بوده است، برخی روی یکی دو موضوع تکیه داشتند، برخی تنها به آزادی و استقلال می‌اندیشیدند، برخی متعلق به صنف خاصی چون کارگران، کشاورزان و بعضی صرفاً نظامی و به تعبیری کودتا بود. اما انقلاب اسلامی، هم به لحاظ انگیزه فراگیر بود و ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و دینی را شامل می‌شد، هم استقلال‌طلبی بود، هم آزادی‌خواهی و هم مطالبات دینی داشت. و هم از جهت عنصر مردمی همه اقشار جامعه اعم از روحانی، دانشگاهی، فرهنگی، کارگر، کشاورز، زن و مرد در آن دخیل بودند. در عرصه جغرافیا نیز محدود به ایران نشد بلکه الگوی بسیاری از ملت‌ها در فراتر از مرزهای ایران گردید.

افزون بر آن چه گفته شد، باید گفت: جویبار انقلاب اسلامی ایران، امید دارد تا در آینده نه چندان دور، به دریای عدل منتظر پیوندند و آماده‌ساز زمینه ظهور منجی جهانی باشد امر مهمی که در هیچ انقلابی تا کنون سابقه نداشته است.

۲. مراحل انقلاب اسلامی

برای انقلاب اسلامی ایران از لحظه پیدایش تا نقطه هدف، مراحل وجود دارد که برخی از آن‌ها را پشت سر گذاشته و بعضی دیگر را باید طی شود. عواملی باعث شد تا پدیده انقلاب ظاهر شود، لیکن در کنار علل مُحدثه، علل مُبقیه‌ای دست به دست هم داد تا بر خلاف دیگر انقلاب‌های شرقی و غربی از چهل سالگی خود فراتر رود، اموری نیز لازم است که پس از این، تا رسیدن به هدف نهایی و آرمان بزرگ باید محقق شود، و گرنه حرکت انقلاب اسلامی اُبتَر و ناتمام خواهد ماند. حضرت امام خامنه‌ای در ترسیمی بسیار دقیق، مراحل انقلاب اسلامی در پنج مرحله مترتب بر یکدیگر این‌گونه ترسیم فرمودند. ۱. شکل‌گیری انقلاب اسلامی. ۲. تشکیل نظام اسلامی. ۳. تشکیل دولت اسلامی. ۴. تشکیل کشور اسلامی. ۵. ایجاد تمدن اسلامی. رک: (khamenei.ir/speech-contentid=21453). لازم به یادآوری است که این امور مرتبط با یکدیگر و هرکدام مترتب بر دیگری است.

بدین معنی که تا انقلاب اسلامی روی ندهد، نظام اسلامی شکل نخواهد گرفت، تا نظام اسلامی تشکیل نشود، دولت اسلامی به وجود نمی‌آید، تا دولت اسلامی به وجود نیاید. جامعه اسلامی ایجاد نخواهد شد. تا جامعه اسلامی ایجاد نشود، تحقق تمدن و امت اسلامی ناممکن خواهد بود. در نتیجه، هر یک از این امور، مبتنی بر ماقبل و مبنی مابعد خواهد بود و به دیگر سخن، هدف برای ماقبل، و علت برای مابعد است.

۱.۲) مرحله اول؛ شکل‌گیری انقلاب اسلامی

در مرحله شکل‌گیری انقلاب اسلامی، با توجه به فضای ظلمانی ناشی از حاکمیت طاغوت به خصوص دهه‌های بیست تا پنجاه قرن چهارم هجری شمسی، مردم با شعار سلبی نفی طاغوت، و ایجابی اسلام خواهی وارد صحنه شدند و با مبارزات حساب شده خود مرحله اول انقلاب را رقم زدند، که صد البته کاری بسیار بزرگ بود. که به فرموده امام خامنه‌ای «در میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارند و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و - به جز تغییر حکومت‌ها - آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند».

([خامنه‌ای، ۱۳۷۹]، بیانیه گام دوم انقلاب: ص ۱۱). این سخن رهبری مشتمل بر دو نکته قابل توجه است: یکی انقلاب‌های رخ داده در جهان. دوم انقلاب اسلامی ایران.

۱.۲-۲) علل اربعه انقلاب اسلامی

هر پدیده اجتماعی اگر خللی در علت تامه آن باشد محقق نخواهد شد، و اگر پا به عرصه وجود بگذارد در ظهور خود به کمال نمی‌رسد بود. همان‌طور که گفته شد برخی از حرکت‌ها، قیام‌ها و نهضت‌ها به دلیل نقص در علل یا در وجود با مشکل روبرو بودند و یا در وسط راه ابتر مانده، و یا با محدودیت زمانی و مکانی توأم شدند. اما انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک پدیده اجتماعی با هویت الهی از یک سو، و تمامیت و کمال در علل وجودی خود از سوی دیگر، یک تحول همه جانبه در ابعاد مختلف نه تنها در مرزهای جغرافیای ایران موفق بود بلکه مرزهای ایران را درنوردید و در منطقه بلکه برای همه آزادی‌خواهان الگو

شد. به هر صورت این انقلاب دارای علل چهارگانه فاعلی، مادی، صوری و غایی با اندک مسامحه به شرح زیر است.

الف) علت فاعلی؛ امام خمینی

در حضيض حاکمیت زمامداران وابسته به استکبار جهانی در ایران، یعنی بازه زمانی ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ خورشیدی، که می‌رفت تا جامعه ایرانی با فراموش کردن ارزش‌های خود، و روی‌آوری به ارزش‌های وارداتی که در حقیقت ضدارزش بودند، به زدودن فرهنگ ملی و دینی خود و تحقق فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی بیانجامد، و بر اساس سیاست‌های دیکته شده، ارزش‌ها یکی پس از دیگری سقوط کند، مردی از ذراری پیامبر اسلام ﷺ و از تبار امام حسین علیه السلام و دانش‌آموخته مکتب امام صادق علیه السلام در خرداد ۱۳۴۱ شمسی بپاخاست و بر اساس آموزه‌های قرآنی که فرمود: «الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (ابراهیم: ۱)»، کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌های (شرك و ظلم و جهل،) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی،) به فرمان پروردگارشان در آوری، بسوی راه خداوند عزیز و حمید». پرچم مبارزه را بر دوش گرفت و اکثریت مردم اعم از روحانی، دانشگاهی، کارگر، کشاورز و... را با خود همراه نمود تا با برون‌رفت از وادی ظلمت، به سوی نور حرکت کند و معالم و حیانی قرآنی را جایگزین قوانین و احکام غیرالهی نماید. این نهضت بیدارگرانه در طول نزدیک به دو دهه، در مسیری پرفراز و نشیب به حرکت خود ادامه داد تا این که در سال‌های ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷ به اوج خود رسید، و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به پیروزی رسید، و رژیم شاهنشاهی پهلوی سرنگون گردید. (مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۵۰). این تاریخ مصادف بود با ربیع‌الاول ۱۳۹۹ قمری و فوریه ۱۹۷۹ میلادی. با سقوط حکومت سلطنتی، حکومت اسلامی در قالب جمهوری بر اساس نظریه نوین ولایت فقیه جایگزین آن گردید.

رهبری امام خمینی به عنوان یک عالم اسلامی شیعی در انقلاب اسلامی، چنان برجسته است که به فرموده مقام معظم رهبری، این انقلاب بی نام خمینی در هیچ جای

جهان شناخته شده نیست.

ب) علت مادی؛ اقشار مختلف مردم

مردم ایران بعد از آن که از یک سونا هنجاری های نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، خلاف ها و تخلف ها، و ستم ها را از ناحیه حاکمیت طاغوت مشاهده، و از سوی دیگر ندای امام خمینی مبنی بر مبارزه را شنیدند بدان پاسخ مثبت دادند. این حرکت عظیم ابتدا از روحانیون حوزه علمیه قم آغاز و به تدریج به دیگر اقشار تسری یافت، و از قم در قالب اربعین ها به تبریز، یزد و دیگر شهرها کشید و فراگیر شد. فعالیت مردمی بیشتر در قالب پخش اعلامیه رهبران انقلاب، راهپیمایی و تظاهرات محقق می شد. مبنای حرکت مردم اولاً آموزه های قرآنی بود که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)، خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند» و نیز فرمود: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (انفال: ۵۳)، خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند». بدین معنی که برای ایجاد تحول در جامعه، خود باید وارد صحنه شوند. ثانیاً مردم ایران به دلیل اعتماد به علماء و التزام به پیروی از مراجع تقلید، فرمان امام خمینی را یک تکلیف شرعی می دانستند و لذا به دستور بلکه با اشاره ایشان در این مسیر حرکت کردند.

ج) علت صوری؛ مبارزه برای اسلام خواهی

وقتی مردم ایران تصمیم گرفتند به رهبری امام خمینی نسبت به ایجاد تحول در جامعه ایرانی اقدام کند و بر اساس نظام توحیدی به نفی آلهه و طواغیت بپردازد، چنان که قرآن کریم فرمود: «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)، خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید»، وارد صحنه کارزار شدند و دست از کسب و کار کشیده و برای اعلام مخالفت با سیاست ها و برنامه های رژیم حاکم، در شهر و روستا، مزرعه و کارخانه، اداره و مدرسه، حوزه و دانشگاه، به خیابان ریختند، و با بذل جان و مال خویش خواستار تغییر و

تحول اساسی و در رأس آن محو حکومت شاهنشاهی شدند

ملت ایران در این مسیر چنان تلاش کردند که ده‌ها هزار شهید و مجروح تقدیم کردند، و مصداق عینی این آیه کریمه قرار گرفتند که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ (توبه: ۱۱۱)، خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند».

د) علت غائی؛ اجرای احکام و قوانین نورانی قرآن

علت غایی و در حقیقت علة العلل وقوع انقلاب اسلامی، همان است که انبیای الهی و از جمله موسی عَلَيْهِ السَّلَام و محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پی آن بودند که فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (ابراهیم: ۵)، ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم:) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر!»، و در باره پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (حدید: ۹)، او کسی است که آیات روشنی بر بنده‌اش [محمد] نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور برد» و نیز فرمود: «رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (طلاق: ۱۱)، رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها بسوی نور خارج سازد». اسناد مکتوب انقلاب اسلامی و مشاهدات عینی اصحاب انقلاب و نیز نویسنده در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، گواه این واقعیت است که از آغازین روزهای انقلاب تا چهلمین سال آن یعنی از تولد تا بلوغ، اصلی‌ترین شعار مردم انقلابی اسلام‌خواهی آنان و اجرای فرامین الهی و آموزه‌های دینی بود. و اصلاً به همین جهت به انقلاب اسلامی نامبردار شد. به عبارت دیگر در انقلاب اسلامی، هرچند اصلاح برنامه‌های فرهنگی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و به خصوص رفع فقر مالی و علمی در برنامه خود داشت، اما محور عمده و هدف اساسی این قیام عظیم، اجرای احکام اسلامی بود.

در پایان این مرحله، توجه به چند نکته مهم ضروری است:

۱. در مرحله نخست انقلاب، رژیم شاهنشاهی و به خصوص حاکمیت وابسته و فاسد پهلوی سرنگون شد، و جمهوری اسلامی با انتخاب مردم، جایگزین آن گردید.

۲. ملت ایران باید با انصاف، گذشته خویش را به یاد داشته باشد که چه بود و چگونه می زیست و به کجا رسید. چنان که قرآن در ادامه رسالت موسوی فرمود: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (ابراهیم: ۵)»، و ایام الله را به آنان یادآور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار!». لذا باید ایام الله انقلاب را گرمی داشت تا از یک سو یادآور عنایات و نعمت‌های الهی باشد و از سوی دیگر از شعارها و شعائر انقلاب مراقبت نماید.

۳. همه اقدامات صورت گرفته با همه اهمیتی که دارد، قدم نخستین برای حرکت سازنده و مقدمه‌ای برای مراحل بعدی است. در این مرحله می‌توان گفت که تنها «لا إله» محقق شد، و باید برای «الّا الله» اقدام می‌شد.

۲. ۲) مرحله دوم؛ تشکیل نظام اسلامی

دومین مرحله انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی است. مراد از نظام اسلامی این است که هندسه اداره کشور و بنیادهای آن بر اساس آموزه‌های اسلامی و قرآنی نهاده شود. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ (یوسف: ۴۰)، حکم تنها از آن خداست؛ فرمان داده که غیر از او را نپرستید! این است آیین پابرجا». بدیهی است زمانی این مهم تحقق می‌یابد که تدوین قانون اساسی مستند به قرآن، سنت پیامبر ﷺ و سیره ائمه اطهار عليهم السلام و عرف ممضای شرع صورت بگیرد. وضع قوانین بر اساس نیاز جامعه اسلامی و در مسیر رشد مادی و معنوی آن باشد. نهادهای کشوری، اعم از دولت / قوه مجریه، مجلس / قوه مقننه، دستگاه قضا / قوه قضائیه بر مبانی اسلامی بنا شود. مجلس شورای اسلامی و شوراهای عالی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بر پایه «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (شوری: ۳۸)»، و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنه است» و «شاورُهُمْ فِي الْأَمْرِ

(آل عمران: ۱۵۹)، و در کارها، با آنان مشورت کن!« تشکیل گردید. قوه قضائیه بر پایه احکام، حدود و حقوق اسلامی و مطابق آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ (مائده: ۸)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید» و آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا (نساء: ۱۳۵)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنا بر این، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد». ایجاد شود. دستگاه نظام اسلامی در همه ارکان به خصوص رکن قضائی، داوری و دادرسی باید با این باور توأم باشد که خداوند علیم، بصیر و خبیر ناظر امور آنان است که فرمود: «إِنْ تَلَّوْا أَوْ تُعْرِضُوا فإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا». انهاده شود.

۲. ۳. مرحله سوم؛ تشکیل دولت اسلامی

مرحله سوم، تشکیل دولت اسلامی است. این بدان معنی است که دولت اسلامی بر شاکله ولائی طولی استوار است، به گونه‌ای که گارگزاران دولت تنها ولایت الله و متولیان الهی را بپذیرند که فرمود: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا (مائده: ۵۵)، سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند»، و فقط اطاعت از الله و منصوبان و مآذونان او سرلوحه کار خود قرار دهند که فرمود: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: ۵۹)، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را!». در دولت اسلامی همه عزل‌ها و نصب‌ها باید بر اساس معیارهای اسلامی و الهی صورت گیرد، و با انگیزه تحقق عینی احکام اسلامی به کار گمارده شوند که فرمود: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ (حج: ۴۱)، همان کسانی که هر گاه در زمین به

آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند».

البته باید توجه داشت که مراد از دولت در این مرحله، دولت به معنی عام آن، اعم از رهبری، رئیس جمهور، وزراء، سفراء، نمایندگان مجلس، امیران و افسران نظامی، مسؤولان قضایی و قضات و همه متصدیان و کارگزاران امور کشوری و لشکری است که باید بر اساس معیارهای اسلامی گزینش شوند گزینشی که بر معیار مسؤولیت پذیری قرآنی «اجْعَلْنِي عَلِي خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)، (یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزائن سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم» و «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷)، خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است» باشد، و طبق موازین اسلامی عمل کنند به گونه‌ای که بتواند مقاصد انقلاب و مردم انقلابی را تأمین کنند. یعنی دولتی که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد. و بالاخره چیزی جز اجرای عدالت فردی و اجتماعی دغدغه دیگری نداشته باشند.

۲. ۴) مرحله چهارم؛ تشکیل کشور اسلامی

منظور از تشکیل کشور اسلامی، جامعه اسلامی است و آن جامعه‌ای است که در آن تمام حب و بغض‌ها، رضایت و اعتراض‌ها، شادی و غم، سکوت و سخن، ارتباط و قطع رابطه، همه و همه بر اساس ارزش‌های اسلامی باشد. مردم و افراد جامعه با توجه به تحول فرهنگی و دینی که در خویش احساس می‌کنند خود قیام به قسط و عدل کنند چنان‌که قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند». در کشور اسلامی باید حکمت قرآنی متجلی باشد، حقیقتاً به احکام اسلامی عمل شود. طبق فرموده

مقام معظم رهبری، در جامعه اسلامی باید که اسلام حیات بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرك آفرین، اسلام بدون كج اندیشی، اسلام بدون تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت بخش به انسان‌ها، و اسلام هدایت کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش، بر آن حاکم باشد.

بر اساس آیات حکمت و به خصوص آیه شریفه: «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ، از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده» مهمترین مأموریت انقلاب اسلامی، احیاء آموزه‌های نورانی اسلام و قرآن است که می‌بایست باورهای مردم اصلاح شود، تهذیب اخلاقیات در جامعه صورت گیرد، حقوق فرد و جامعه ایفاء شود، قوانین صحیح وضع و به درستی اجرا گردد، فرهنگ سالم به جامعه ایجاد شود، داد و عدل اسلامی گسترش یابد. و بالاخره به جایی برسیم که مردم به توسل به زور حکومت خود مجری قسط و عدل باشند که فرمود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید، ۲۵)».

لازم به ذکر است که گرچه انقلاب اسلامی به چهل سالگی و بلوغ خود رسید، اما مسیری پر فراز و نشیب را طی کرد و از گردنه‌های سخت و درّه‌ها عمیق و خطیر عبور نمود. از جمله: خیانت‌های نخستین رئیس جمهور، ظهور پدیده شوم تروریسم و ترور نزدیک به بیست هزار نفر از مردم و مسئولان، انفجارهای پی‌در پی از جمله انفجار حزب جمهوری و کشته شدن ۷۲ یار انقلاب و از جمله آیت الله سید محمد بهشتی رئیس قوه قضائیه کشور، انفجار ساختمان نخست وزیری و کشته شدن رئیس جمهور و نخست وزیر، جنگ تحمیلی هشت ساله عراق ایران با حمایت تمام کشورهای اردوگاه شرق و غرب از عراق، سقوط شهرهای و بازپس‌گیری آن‌ها و شهادت صدها هزار نفر از بهترین جوانان کشور، و نیز تحریم همه جانبه ایران توسط امریکا و اروپا. حوادثی که به اعتراف رسانه‌های غربی هر یک از این حوادث، کافی بود که کشور به طور کلی سقوط کند.

طرح تمدن نوین اسلامی در قالب واژه تمدن اسلامی چند سالی است که وارد ادبیات سیاسی و انقلابی ایران شده است. مقام معظم رهبری «حفظه الله» در سال ۱۳۷۹ برای اولین بار در مدرسه فیضیه درباره مراحل اهداف انقلاب سخن گفته و به این مسأله اشارت کردند. و در فاصله کوتاهی در جمع کارگزاران نظام، مرحله پنجم انقلاب اسلامی را تشکیل تمدن اسلامی اعلام کردند. (رک: [khamenei.ir/speech-contentid = 21453](http://khamenei.ir/speech-contentid=21453)). تعریف تمدن اسلامی، الزامات و مؤلفه‌های آن در مقاله‌ای مستقل تبیین شده است.

۲. ۶. مرحله ششم؛ آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی

پس از چهل سالگی و در واقع رسیدن انقلاب به بلوغ لازم خود، و باور به تنومند شدن درخت انقلاب و ریشه دواندن آن در اعماق جان انسان‌ها، اهداف انقلاب نیز تطور یافت و با ترقی از اجرای احکام در جامعه شیعی و اسلامی به گستره جهانی حکومت مهدوی بدل می‌شود. و در حقیقت این مقوله، مرحله ششم انقلاب اسلامی است که حتی ایجاد تمدن اسلامی نیز خود مقدمه‌ای بر این مهم خواهد بود. البته چنان‌که بعداً اشارت خواهد شد، امام خمینی نیز در خصوص اتصال انقلاب به قیام حضرت مهدی علیه السلام بیاناتی دارند خود تحقیق مفصل می‌طلبد.

۳. تحقق آرمان بزرگ

مکرر گفته شد که آرمان بزرگ انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، از دو بخش عمده تشکیل شده است: «ایجاد تمدن نوین اسلامی» و «آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی». قبل از چهل سالگی انقلاب، این مقوله در ادبیات انقلاب و مفاهیم انقلابی مشاهده نمی‌شد، و گویا اهداف انقلاب را در مرحله تمدن‌سازی به پایان می‌رسید و اگر سخن از اجرای قوانین الهی نیز می‌شد انقلاب به عنوان زمینه‌ساز حکومتی تلقی می‌شد تا فقه را عملی و اجرایی کند.

اندیشه اتصال انقلاب اسلامی به قیام مهدی

برخی از کچ‌اندیشان بر این گمانند که هر پرچم اصلاحی قبل از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

برافراشته شود محکوم به شکست است. از این رو برای تصحیح این باور غلط رهبران انقلاب اسلامی، ایده اتصال انقلاب به قیام را مطرح کردند. که در رأس همه شخصیت‌ها امامین انقلاب بودند. چنان‌که امام راحل «ره» فرمود: «من امیدوارم که این کشور با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا این جا رسانده است، باقی باشد. این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی - ان شاء الله - بیاید و ما، شما و ملت ما، امانت را به او تسلیم کنیم». (امام خمینی، بی تا، ج ۲۱، ص ۲۸۹). و در جای دیگر فرمود: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۷۴).

۳. ۱. دولت منتظر و رسالت آن

هر انسانی در هر کیشی بنا به نوع تفکر خویش ممکن است حکومت آخر الزمانی را توصیف کند که هر کدام در جای خود صحیح است. اما آن چه صحیح‌تر می‌نماید تعبیر معصومانه‌ای است که در آثار قرآنی و روایی اسلامی وجود دارد چون: حکومت صالحان، حکومت مستضعفان و دولت کریمه. در مورد اول فرمود: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء: ۱۰۵)، در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد»، و در مورد دوم فرمود «و نُزِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵)، ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم». این دو عنوان باید با تأویل و تفسیر به دولت مهدوی معنی کرد. لذا عنوان دولت کریمه برای خورشید عظمی ولایت مناسبتر به نظر می‌رسد. چنان‌که امام باقر علیه السلام فرمود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ؛ خدایا ما با تضرع به درگاهت دولت کریمه را خواستاریم». (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ج ۳، ص ۴۲۴ و طوسی، تهذیب الأحكام، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۱). اینک باید دید مراد از دولت کریمه چیست؟

واژه دَوْلَت از ریشه دَوْل، دال، به معنی دست به دست شدن است. برخی از ارباب لغت معتقدند: دَوْلَت به ضم دال، مربوط به مال است. و دَوْلَت به فتح دال مربوط به جاه و حرب است. (فیومی، المصباح المنیر، دول). برخی نیز هر دو را به یک معنی دانسته‌اند. (راغب اصفهانی، مفردات، دول). مفسرین نیز می‌نویسند: دَوْلَت به ضمّ دال، به معنی انتقال نعمت از گروهی به گروهی دیگر است. و دَوْلَت به فتح دال، به معنی نوبت استیلاء و غلبه است. (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا، ج ۹، ص ۵۶۴). در نهج البلاغه نیز به واژه دولت اشارت شده که منظور همان حاکمیت و دستگاه هیأت حاکمه می‌باشد، چنان که حضرت در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: «أَنْتِي قَدْ وَجَّهْتُكَ إِلَى بِلَادٍ قَدْ جَرَتْ عَلَيْهَا دَوْلٌ قَبْلَكَ مِنْ عَدْلٍ وَ جَوْرٍ، اَي مَالِك! تَوْرَا بِه كِشُورِي مِي فَرِسْتَم كِه پيش از تو دولت‌های عدل و جور بر آن حکومت کرده‌اند». (نهج البلاغه، صبحی الصالح، نامه ۵۳). در علوم اجتماعی نیز در تعریف دولت گفته‌اند: «حکومت و سازمان عالی اداری یک ملت»، و «مجموع شهروندانی که به عنوان هیأت سیاسی شناخته می‌شوند». (ساروخانی، فرهنگ علوم اجتماعی، ص ۴۰۴).

کَرَم در اصل به معنی شرافت در ذات و شرافت در اخلاق است. (ابن فارس، مقائیس اللغة، کرم). برخی نیز گفته‌اند: کرم در اصل به معنی عزّت، و کریم به معنی نفیس و عزیز است. (فیومی، المصباح المنیر، کرم). بعضی از لغت‌شناسان قرآن پژوه بر این باورند که واژه کرامت و کرم در مقابل هَوَان است. (مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، کرم). یعنی هوان به معنی ذلت و خواری و کَرَم به معنی عزّت و تَفَوُّق ذاتی یک چیز است. و مفاهیمی چون جود، اعطاء، سخاء، صَفْح، رضایت‌بخش بودن و محمود بودن، از لوازم و آثار کرامت است. در جمع‌بندی می‌توان گفت با توجه به کاربرت کرامت در امور مختلف چون؛ صفات حسناي الهي، انسان، قرآن، نوشته و کتاب، پاداش، رزق، مقام و بالأخره دولت به معنی تجميع همه خوبی‌ها و ارزش‌ها است و در دولت کریمه همه اوصاف کریمه وجود دارد، در یک جمله دولت کریمه به معنی دولت همه ارزش‌ها است.

۳. ۲- رسالت دولت کریمه منتظر

دولت کریمه مهدویه بر اساس نص خطبه باقریه و دعای کاظمیه - دعای افتتاح - و نصوص دیگر، چند رسالت مهم بر عهده دارد که برخی عبارتند از:

۱. اجرای عدالت فراگیر، چنان‌که در فقرات پیش از آمده است که: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ؛ خدایا بر ولی امرت، آن قیام‌کننده امیدبخش و عدل مورد انتظار درود بفرست». گرچه همه دولت‌ها و حکومت‌ها اعم از حکومت‌های دینی، سکولار و لائیک، از عدل سخن می‌گویند، اما در مقام عمل یا جاهل به معنی و یا مصداق عدالتند و یا اراده‌ای بر تحقق آن ندارند و یا ناتوان از اجرای آنند. حکومت مهدوی در تمامی عرصه‌ها تقنینی، اجرایی و قضایی عدالت را گسترده خواهد کرد. چنان‌که پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در وصف مهدی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيٌّ أُمَّتِي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا؛ قیام‌کننده حق، مهدی این امت، آن کسی که زمین را بعد از آن‌که پر از ظلم و جور شد، سراسر پر از عدل و قسط می‌کند». (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۵۸).

امام خامنه‌ای در رابطه عدل مهدوی می‌فرماید: ایجاد قسط و عدل؛ این آن چیزی است که جز به دست قدرت الهی که از آستین حضرت بقیة الله بیرون می‌آید، امکان‌پذیر نیست. این عدلی هم که انتظار است حضرت به وجود بیاورند، عدل در یک بخش خاص نیست، عدل در همه شئون زندگی است، عدالت در قدرت، عدالت در ثروت، عدالت در سلامت، عدالت در کرامت انسانی و در منزلت اجتماعی، عدالت در معنویت و امکان رشد، [عدالت] در همه ابعاد زندگی، این‌ها چیزهایی است که انتظار است که به وسیله حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) در عالم وجود، در دنیا به وجود بیاید و ان شاء الله به لطف الهی [محقق] خواهد شد. (45317farsi.khamenei.ir).

۲. عزت بخشی به اسلام و مسلمین. در ادامه دعای افتتاح این‌گونه فرمود: «تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ». اسلام گرچه در ابتدای امر با عزت و سربلندی ظهور کرد و به سرعت آموزه‌های خود را در سراسر عالم منتشر کرد و موجب تمدنی عظیم گردید اما به وسیله حکام

ناشایست به چنان ذلتی دچار شد که گویا هیچ قوم و ملتی ذلیل‌تر از جوامع اسلامی یافت نمی‌شود. لذا باید اسلام و مسلمین را به عزت خود بازگردند. مسلمین باید از اعماق جانانشان این باور را داشته باشند که عزت به دست خدا است نه قدرت‌های استکباری که فرمود: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ (آل عمران: ۲۶)، بگو: بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کن»، و نیز فرمود: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا (فاطر: ۱۰)، کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست».

۳. سالم‌سازی جامعه از نفاق. یکی از مهمترین رسالت‌های دولت کریمه مهدویه زدودن نفاق از جامعه و پاکسازی آن از لوث وجود منافقین است که فرمود: «تُذِلُّ بِهَا الْيَفَاقَ وَ أَهْلَهُ، دولتی که نفاق و منافقان را خوار می‌کند». امت اسلامی از همان ابتدای ظهور اسلام دچار نفاق برخی از مسلمان‌نمایانی شد از درون تیشه بر پیکر جامعه اسلامی می‌زدند تا بدان جا بسیاری از آیات و حتی سوره‌ای به نا منافقین در نکوهش این پدیده شوم نازل شد. این عارضه همچنان ادامه داشت و دارد و هر از چند گاهی چهره کریه خود را بازسازی و به‌روز می‌کند. جامعه اسلامی که باید در پرتو آموزه‌های قرآن «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح: ۲۹)، در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند» باشد، به خاطر ابتلا به حکام منافق کاملاً بر خلاف مسیر سعادت امت حرکت می‌کند و به جای مبارزه با ظالم به پیکار با مظلوم می‌پردازند، و به جای دشمنی با دشمنان اسلام به دوستی با آنان و به جای دوستی با دوستان به دشمنی به آن اقدام می‌کند. در قلمرو حکومت جهانی مهدوی از چنین متصدیان امور تطهیر خواهد شد.

۴. جامعه‌سازی مبتنی بر خداخواهی. رسالت دیگری بر دوش دولت مهدوی است این است که فرمود: «وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ، [خدایا] ما را از دعوت‌کنندگان به سوی اطاعت خودت و رهبری در مسیر خودت قرار بده». در یک جامعه

دینی و ایمانی، اصل بر این است که افراد یکدیگر را به سوی اطاعت الهی دعوت کنند و رهبر رهروان در این مسیر باشند، اما در روزگار حاضر بالعیان می‌بینیم که بسیاری از افراد نه تنها چنین نیستند بلکه به سمت مسیرهای انحرافی و حتی شیطان‌پرستی فرا می‌خوانند. در دولت کریمه مهدوی این امور اصلاح خواهد شد.

۵. تأمین کرامت دنیا و آخرت. بسا مهمترین رسالت دولت کریمه این است که فرمود: «وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، در پرتو این دولت کرامت دنیا و آخرت روزی ما قار بده». (طوسی، تهذیب الأحکام، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۱). بی تردید تأمین نیازهای بشری در دنیا، درجای خود اهمیت بسیار دارد تا بدان حد که امام امیرالمؤمنین علیه السلام تدبیر صحیح معاش را نشانه ایمان حقیقی دانست و فرمود: «لَا يَذُوقُ الْمَرْءُ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: ... وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعَاشِ، انسان طعم حقیقت ایمان را نمی‌چشد مگر این که سه خصلت داشته باشد؛ ... تدبیر صحیح در میشت». (حمیری، قرب الإسناد، ۱۴۱۳: ص ۹۵). همگان اعم از دینداران و بی‌دینان در خصوص معیشت، تلاش دارند و حتی می‌توان گفت دنیای غرب در این زمینه بسیار موفقتر عمل کرده است، اما جمع بین دنیا و آخرت مقوله‌ای است که کمتر توفیقی در آن حاصل شده است، دولت مهدوی چنین مهمی را محقق خواهد کرد.

۶. نشر دین الهی در گستره زمین. یکی از اساسی‌ترین رسالت‌های دولت کریمه ظهور دین حقیقی و واقعی است که فرمود: «اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ مِلَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؛ خدایا به وسیله دولت کریمه دینت و امت نبیت را پیروز بفرما، تا مباد از ترس مردم، چیزی از حق پنهان بماند». مسأله مهمی که در دولت مهدوی رخ خواهد داد پیروزی دین حق بر دیگر ادیان است چنان‌که قرآن نیز فرمود: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (توبه: ۳۳)، او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند». البته این امر چندان مورد خوشنودی

ارباب ادیان منسوخ و باطل و نیز جبهه استکبار نیست، لیکن قطعاً محقق خواهد شد.

۷. رونق علم و دانش. از ملاحظه آثار روایی چنین مستفاد است که در دولت مهدوی علاوه بر امور دینی، اهتمام به رونق علمی نیز وجود دارد. چنان‌که امام امیرالمؤمنین علیه السلام در باره عصر مهدوی و دولت کریمه اش می‌فرماید: «قَدْ لَبَسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَ أَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبَارِهَا مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا وَ الْمَعْرِفَةِ بِهَا وَ التَّفَرُّغِ لَهَا فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا؛ زره دانش بر تن دارد، و با تمامی آداب و با توجه و معرفت کامل آن قرار گرفته است، حکمت گمشده اوست که همواره در جستجوی آن می‌باشد». (نهج البلاغه، صبحی صالح: خطبه ۱۸۲، ص ۲۶۳).

۸. استکمال عقل. در رونق علم و گسترش دین، عقول نیز در پرتو دولت منتظر کریمه به کال خود خواهد رسید. چنان‌که در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمًا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ، هنگامی که قائم ماقیام کند، خداوند به بندگانش عنایت کرده و عقل‌هایشان را کامل می‌کند». (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۵). شکی نیست وقتی در جامعه‌ای عقل و خرد حکمفرما باید امور به درستی تمشیت می‌شود.

۹. سلامت اقتصاد و جامعه. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَايَلَةُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ، هنگامی که قائم قیام کند، بدی‌ها از بین می‌رود تا جایی هر کس نیاز داشته باشد از کیسه بردارش بدون ممانعت بر می‌دارد». (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴). مراد از مزایله، رخت بر بستن بدی‌ها است.

نکته قابل توجه این‌که انقلاب اسلامی در چند رسالت با دولت مهدوی هم‌هدف و در یک راستا است، لیکن وظیفه آن به دلیل محدودیت در عده و عده تنها می‌تواند زمینه‌ساز دولت کریمه مهدوی باشد. به عبارت دیگر دولت برخاسته از انقلاب اسلامی در تفکر، ایده و آرمان همان اهداف دولت مهدویت را پیگیری می‌کند. ضمن این‌که معوم شد که شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی با رسالت دولت منتظر یکسان است، در حقیقت تمدن

نوین اسلامی با دولت کریمه مهدوی از هویت یکسان، اهداف واحد و رسالت متحد برخوردارند.

۳-۲-۳ ارکان کرامت در دولت کریمه

زمانی دولت کریمه محقق می‌شود که همه ارکان آن دولت کریمانه باشند چرا که کرامت در یک رکن مثل رهبر هر چند لازم است، اما برای ایجاد دولت کریمه به تنهایی کافی نیست، بلکه دیگر ارکان نیز باید دارای شرایط لازم باش. بنابراین در دولت کریمه؛

۱. قانون‌گذار که در دولت کریمه مهدوی خدا کریم است، در اصل تشریح قوانین فرمود: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ (انعام: ۵۷)، حکمرانی تنها از آن خدا است»، و در کریم بودن او فرمود: «... فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (نمل: ۴۰)، پروردگار من بی‌نیاز و کریم است».

۲. قوانین جاریه در دولت کریمه قرآن و سنت نبویه است که فرمود: «وَأَقِمِ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، خدایا به وسیله قائم، کتاب و حدود و احکامات و سنت پیامبرت را به پا دار، و آن چه ستمگران از دین تو از بین برده‌اند به وسیله قائم احیاء کن». (صحیفه سجادیه: دعای ۴۷) کریم است که فرمود: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه: ۷۸ - ۸۱)، قرآن کریمی است، که در کتاب محفوظی جای دارد و جز پاکان نمی‌توانند به آن دست یابند».

۳. در دولت کریمه، حاکم و مجری قانون نیز کریم است. چنان‌که در آثار آمده است که: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّائِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، سلام بر تو ای دعوت کننده به خدا، و عارف به آیاتش، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۵۳، ص ۱۷۱) و در زیارت جامعه نسبت به ذوات مقدسه ائمه عليهم السلام فرمود: «اصول الكرم»، «عباده المکرمین»، «المعصومون المکرمون»، «الفائزون بکرامته»، «کرامتکم علیه»، «سجیتکم الکرّم». (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۰۹).

۴. در دولت کریمه، کارگزاران نظام نیز کریمند، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ اسْتَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ الْكَعْبَةِ سَبْعَةَ وَ عَشْرِينَ رَجُلًا؛ خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى "الَّذِينَ يَقْضُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ"، وَ سَبْعَةَ مِنْ أَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَ يُوشَعَ وَصِيِّ مُوسَى وَ مُؤْمِنِ آلِ فِرْعَوْنَ، وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ، وَ مَالِكَ الْأَشْتَرِ، هُنْكَامِي كه قائم آل محمد قیام کند بیست و هفت نفر از نزد کعبه خارج می شوند، پانزده نفر از قوم موسی (آنان که به حق قضاوت کردند)، هفت نفر از اصحاب کهف، و یوشع وصی حضرت موسی، مؤمن آل فرعون، و سلمان فارسی، و ابودجانہ انصاری و مالک اشتر». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۲). این افراد از بهترین و برترین های تاریخند.

۵. در پرتو دولت کریمه، جامعه انسانی، جامعه ای کریمه و دارای حیات کریمه خواهد شد. زیرا وقتی در دولت کریمه همه عناصر زندگی کریمانه شد، و افراد جامعه نیز مؤمن و متقی واقعی هستند که مشمول آیه کریمه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (اعراف: ۹۶)، و اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم»، می باشند. به یمن ایمان و تقوایشان عرصه زندگی شان سراسر مملو از برکت سماوی و ارضی خواهد شد.

۶. در پرتو دولت کریمه، بنا هست انسان مکرم و مفضل به کرامت ذاتی و اکتسابی خویش نائل شود. انسانی که بنا به صراحت قرآن که فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰)، ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم» موجودی مکرم و مفضل است. به بیان برخی از مفسران تکریم انسان به عقل است که در برابر دیگر موجودات این نظام از قبیل نبات، حیوان و غیره، تنها به انسان داده است. و تفضیل او به فزونی همان اموری است که به انواع دیگر نیز داده شده است؛ از قبیل غذا و شرب و تولید نسل و... (طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰، ج ۱۳،

ص ۱۵۸).

۲.۳ (۴- آمادگی برای ظهور

همان‌گونه که مکرر پیش از این بیان شد امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم فرمودند: شما باید این انقلاب را باید هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید». (بیانیه گام دوم انقلاب: ص ۱۲ و ۱۶ (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

در این سخن برترین ایده در موضعگیری جامعه منتظر نسبت به ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نهفته است. چراکه نسبت به مسأله ظهور چهار دیدگاه عمده منفی و مثبت وجود دارد که عبارتند از: ۱. همسانی ظهور امام زمان، با وقوع قیامت که به دست خدا است و جامعه هیچ نقشی در آن ندارد. ۲. اشاعه ظلم برای پر شدن پیمان، تا ظهور تحقق یابد. ۳. بر طرف کردن موانع غیبت برای تحقق حضور. ۴. انجام وظائف خاص برای زمینه‌سازی ظهور. به نظر می‌رسد با توجه به مجموع ادله قرآنی و روایی نظریه چهارم صحیح‌ترین نظریه است، که در بیانیه نیز بدان اشارت شده است.

آمادگی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در گرو اعمالی است که جامعه منتظر باید انجام دهد، چنان‌که در روایت نبوی می‌خوانیم که فرمود: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُرِطُونَ لِلْمَهْدِيِّ، گروهی از مردم از سمت مشرق بیرون می‌آیند و زمینه حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می‌کنند». (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۸۷ و ابن‌ماجه، سنن، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۶۸). توطئه برای مهدی به آمادگی و زمینه‌سازی حکومت معنی شده است. اما اعمالی که باید برای زمینه‌سازی انجام داد:

۱. انتظار فرج. چنان‌که در روایت نبوی می‌خوانیم که فرمود: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ، برترین اعمال امت من انتظار فرج است». (ابن بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۴). بنا به تفسیر امام خامنه‌ای این انتظار فرج عام است و انتظار فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداقی از آن است. در روایت دیگری امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «أَقْرَبُ مَا

يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ، وَ لَمْ يَطْهَرُ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا مَكَانَهُ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ لَا مِيثَاقُهُ، فَعِنْدَهَا فَتَوَقَّعُوا الْفَرْجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً؛ در زمانی که حجت خدا غائب است، و ظاهر نیست، و مردم نمی دانند او کجا است؟ لیکن می دانند حجت خدا و میثاقش باطل نشده، در آن زمان بهترین عملی که انسان را به خدا نزدیک و باعث رضایت او می شود، انتظار فرج در صبح و شام است». (کلینی، کافی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۳).

اثر انتظار در اندیشه امام خامنه‌ای: رهبر معظم انقلاب در زمینه انتظار فرج فرموده‌اند: «مسئله انتظار ظهور صاحب الزمان (علیه الصلاة والسلام) یکی از آن مسائل پُر مغز و پُر معنا و دارای مضامین عالی در مجموعه تفکرات شیعه است. این امیدی که در دل یک انسان به وجود می آید، به برکت ایمان و اعتقاد و یقین به وجود منجی و به حضور منجی، این امید خیلی دارای ارزش و قیمت است. یقیناً مایه حرکت‌های بزرگ در جوامع اسلامی و در جوامع شیعی و مایه اصلی حرکت عظیم انقلاب اسلامی، همین عقیده و همین انتظار فرج است». (khamenei.ir 45306).

ایشان در ادامه فرمودند: «شیعه یاد گرفته است که با فضیلت‌ترین اعمال، انتظار فرج است. معنای این جمله آن است که در هر شرایطی و لو سخت‌ترین شرایط باشد، شیعه حق ندارد مایوس بشود و ناامید بشود، [چون] منتظر است، منتظر فرج، منتظر گشایش، منتظر باز شدن افق و نفس این انتظار به او نیرو می‌دهد و او را قدرتمند می‌کند و به او نشاط می‌دهد و نیرو و نشاط و امید هر جا بود، زندگی به طرف سامان پیش می‌رود، به طرف اصلاح حرکت می‌کند». (khamenei.ir 45306).

لازم به ذکر است که انتظار بر دو قسم است: تکوینی و تشریحی. انتظار تکوینی این است انسان مجبور باشد بر آن چه برای وی رقم خورده صبر نماید و قادر به تغییر نباشد. اما در انتظار تشریحی، انسان تلاش می‌کند وضعیت را با برنامه‌ریزی علمی و عملی تغییر دهد. بر این اساس امام سجاد علیه السلام وصف منتظران فرمود: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ

الْمُنْتَظِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ، بهترین انسان‌ها در زمان غیبت قائم، کسانی هستند که قائل به امامت او هستند، منتظر ظهور او هستند، آنان برترین افراد در همه زمان‌ها هستند، زیرا خداوند عقل و فهم و معرفت به آن‌ها عطا می‌کند که غیبت نزد آنان به منزله مشاهده است». (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۲). بنابر این برای منتظر واقعی غیبت امام برای وی همانند زمان حضور است، و با عقل و فهم برنامه‌ریزی می‌کند.

۲. دعوت به دین خدا. در ادامه بیان منور امام سجاد عليه السلام چنین آمده است که: «... جَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا، خداوند شیعیان ما در زمان غیبت به منزله مجاهدان در رکاب پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار داده است، آنان به حق مخلص و شیعه صادق و دعت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار هستند». (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۲۲). بر اساس این روایت منتظران واقعی در عصر غیبت، همانند یاران در رکاب رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند که با شمشیر می‌جنگند، شیعه مخلص و صادق هستند، و دعوت کننده مردم به سوی خدا در آشکار و نهان هستند. در نتیجه منتظر، کسی نیست که دست بر دست بگذارد و ذکر بگوید!

۳. صبوری. در روایتی امام رضا عليه السلام فرمود: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَانْتِظَارَ الْفَرَجِ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَازْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ» [هود: ۹۳]، «فَأَنْتَظِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» [اعراف: ۷۱]، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِثْمًا يَجِيءُ الْفَرْجَ عَلَى الْيَأْسِ؛ چقدر صبر و انتظار فرج زیبا است! پس بر شما باد به شکیبائی، چراکه فرج بعد از نومیدی خواهد آمد». (ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۵).

۴. دعا و تضرع. در توفیق شریفی که برای اسحاق بن یعقوب صادر شده است خود حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ، برای تعجیل در فرج زیاد دعا کنید، زیرا خود آن دعا فرج شما است». (ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه،

۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۵). یعنی نفس دعا کردن خود فرج است و وظیفه‌ای است که منتظر باید انجام دهد.

۵. انقطاع و یأس. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ وَ لَا وَ اللَّهِ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَ لَا وَ اللَّهِ حَتَّى تُمَخَّصُوا؛ امر ظهور محقق نمی‌شود مگر بعد از نومیدی. به خدا ظهور حاصل نمی‌شود تا این که مردم تمحص و تمیز پیدا کنند». (کلینی، کافی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۷۰). بنابر این روایت یکی از نشانه‌ها و یا یکی از زمینه‌های ظهور این است جامعه بشری به حالت نومیدی و یأس برسد و واقعاً از حکومت‌ها مأیوس شود. ممکن است سؤال شود که حکومت از حاکمان جبار عقول است اما نومیدی از حکومت‌های عادلانه چرا؟ در پاسخ باید گفت، متعلق یأس‌ها متفاوت است، یأس از حاکمان طاغوت و جبار به خاطر نخواستن در اجرای قسط و عدل است. اما نسبت به حاکمان عدل، نتوانستن آنان است، یعنی می‌خواهند اما نمی‌توانند.

۶. همدلی شیعیان. در توفیق برای شیخ مفید، مرقوم فرمودند که: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا [وَقَفَّهِمْ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ] عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا فَمَا يُحْبَسُ عَنْهُمْ مُشَاهَدَتُنَا إِلَّا لِمَا يَنْصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ، اگر شیعیان ما که خدا آنان را موفق به طاعتش کند، همدل می‌شدند، لقای ما به تأخیر نمی‌افتاد. محرومیت‌آن‌ها از مشاهده ما تنها به خاطر این است که کارهای ناشایست که ما از آن اکراه داریم مرتکب می‌شوند». (راوندی، الخرائج والجرائح، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۰۳). بنابر این اگر شیعیان همدل باشند حضور، ظهور و طلوع خورشید ولایت تعجیل می‌شود.

۷. ساماندهی و آمادگی. یکی از وظائف منتظران واقعی در عصر غیبت، سازماندهی و آمادگی برای حضور منجی است. برخی از علماء در این باره می‌نویسند: برای تحقق ظهور آمادگی فکری و فرهنگی، آمادگی اجتماعی، آمادگی فردی و آمادگی تکنولوژی و ارتباطی ضروری است. (مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۱۰۰). بسا آمادگی تکنولوژی مستند به این روایت امام صادق علیه السلام باشد که می‌فرماید: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ

لَشِيْعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ، هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به گوش و چشم شیعیان ما قدرتی می‌دهد که برای شنیدن و دیدن او بین قائم و آنان واسطه‌ای نیست». (کلینی، کافی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴۱). و نیز فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ در زمان قائم، اگر مؤمن در مشرق باشد برادرش را در مغرب می‌بیند، و اگر در مغرب باشد برادرش را در مشرق می‌بیند» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۳۹۱).

۸. تشکیل حکومت تمهیدی. در کنار همه آن‌چه گذشت، مناسب است دولت آماده‌ساز تشکیل شود تا زمینه را هموار و فراهم سازد. و بسا بتواند مصداقی از «يُؤَطِّئُونَ لِلْمَهْدِيِّ» باشد، بدین معنی که سایه‌ای از دولت کریمه تشکیل شود و با آماده‌سازی جامعه تحویل صاحب اصلی آن گردد

یکی دیگر از زمینه‌های تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی عليه السلام بالا بردن قدرت اسلام و تلاش در جهت تحقق آموزه‌های متعالی آن در سراسر زمین و تثبیت حاکمیت اسلام است. اسلام باید گسترش یابد و زیبایی‌های آن بر همگان آشکار گردد تا مقدمه‌ای شود برای پذیرش عمومی و جهانی انقلاب و حکومت مهدوی.

۳-۲-۵) راز ماندگاری انقلاب تا طلوع شمس ولایت

مهمترین علت پایداری انقلاب اسلامی شعارهای آن است که منطبق با فطرت بشری است که تعمیم در سه مقوله مکانی، زمانی و افرادی را در پی دارد. مقام معظم رهبری در باره شعارهای انقلاب فرمود: «شعارهای جهانی این انقلاب دینی هرگز بی مصرف و بی فائده نخواهد شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره دیگر افول کند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹)، بیانیه گام دوم انقلاب: ص ۱۳). روح این سخن رهبری این است که شعار انقلاب اسلامی هماهنگ با فطرت دینی است که در درون

انسان‌ها به ودیعت گذاره شده است. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)، پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند». در نتیجه این انقلاب و شعارهای آن خصیصه هر مکانی، هر زمانی و همگانی دارد. و وقتی پدیده‌ای چنین ویژگی داشته باشد، حقیقتی مستمر، زنده و پویا خواهد بود. آری ممکن است چند صباحی غباری بر آن بنشیند اما هرگز نخواهد رفت.

نتیجه‌گیری

نظر به آن چه گفته شد چنین استنتاج می‌شود که:

۱. انقلاب اسلامی ایران، از آغاز تا کنون چهار مرحله را پشت سر گذاشته و منتظر تحقق دو مرحله اساسی دیگر به عنوان آرمان بزرگ خود است.
۲. انقلاب اسلامی در تمام علل چهارگانه وجودی از نقطه آغاز و عنصرمردمی، تا صفات رهبری و هدف مورد نظر از دیگر انقلابات ممتاز است.
۳. اندیشه اتصال انقلاب به قیام، ابتدا از نظرگاه امام راحل رویش یافت و در ادامه در تفکر امام خامنه‌ای شکوفا شد تا بدان جا که از طرح یک آروز در اندیشه امام، به یک اصل تحقق پذیر بدل گردید و مرحله ششم انقلاب را رقم زد.
۴. انقلاب اسلامی از این مرحله به بعد، منتظر عدل مهدوی و دولت کریمه آن حضرت است، دولتی که در تمام ارکان از کرامت الهی برخوردار است.
۵. رسالت دولت کریمه مهدوی که این انقلاب زمینه‌ساز آن است، عدالت‌گستر، عزت‌بخش اسلام و مسلمین، پاک‌ساز جامعه از نفاق و منافق، جامعه‌سازی مبتنی بر خداخواهی، تا «ین‌کننده کرامت دنیا و آخرت، رونق دهنده علم و دانش، استکمال عقل و خرد، سالم‌ساز اقتصاد و جامعه است.
۶. راز ماندگاری انقلاب تا چهل سالگی و چله دوم آن تا اتصال به قیام مهدوی، فطری بودن اهداف مقدس آن است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
- * نهج البلاغه، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، ۱۴۱۴ق، دارالهجره، قم.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۵، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، اسلامی، تهران.
 ۳. ابن ماجه، ابوعبد الله محمد بن یزید قزوینی، بی تا، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء الكتب العربيه.
 ۴. امام خمینی (سید روح الله)، بی تا، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
 ۵. حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳، قرب الإسناد، چاپ اول، قم.
 ۶. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۱، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، مؤسسه پژوهشی.
 ۷. [خامنه‌ای، ۱۳۹۷]، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران، انتشارات انقلاب اسلامی، وابسته به مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران.
 ۸. راوندی، (قطب الدین)، سعید بن هبة الله، ۱۴۰۹، الخرائج و الجرائح، چاپ اول، قم.
 ۹. ساروخانی، باقر، فرهنگ علوم اجتماعی، کلمه دولت.
 ۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
 ۱۱. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷، تهذیب الأحکام، تحقیق خرسان، چاپ چهارم،

تهران.

۱۲. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۳. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، تفسیر عیاشی، چاپ اول، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، چاپ چهارم، تهران.

۱۵. محجوب، محمود و فرامرز یآوری، گیتا شناسی کشورها، ۱۳۶۲، چاپ دوم، انتشارات گیتا شناسی، تهران.

۱۶. مدنی، سید جلال الدین، ۱۳۶۱، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الأنوار، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت

۱۸. معین، محمد، ۱۳۶۳، فرهنگ فارسی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۱۹. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳، الإختصاص، قم، چاپ اول، قم.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، چاپ دهم، دار الکتب الإسلامیه، ایران، تهران.

۲۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir>